

A conceptual illustration featuring a large, shiny gold bar in the center. The bar is inscribed with 'GOLD' and '1997'. It is surrounded by numerous soldiers in combat gear, some holding rifles. In the background, there are military tanks, a truck, and a flag. The scene is set against a dark, dramatic background, suggesting a conflict zone or a military operation related to gold mining.

هت ا

بازخوانی تجربه پیروزی دیپلماتیک ایران در معاهده ارزنه‌الروم که سال ۱۲۲۵ منعقد شد

فنون دیپلماسی موفق در اندیشه امیرکبیر



یکی از جلسات «ارزنه‌الروم» که توسط هوش مصنوعی پارسای شده است

از سوی دیگر، خود میرزاتقی‌خان نیز توانایی‌های ویژه‌ای برای مذاکره داشت که از هر جهت وی را ممتاز می‌کرد. او زبان ترکی استامبولی را می‌دانست و به‌راحتی با نماینده دولت عثمانی به صورت مستقیم و بدون نیاز به مترجم وارد مذاکره می‌شد. امیر اصول دقیق دیپلماسی را می‌دانست، برآشفته نمی‌شد و با نگاه به هدف، آستانه تحمل خود را در حد بالایی نگه می‌داشت. کلنل ویلیامز، نماینده انگلیس در مذاکرات ضمن گزارش‌های خود به دولت متبوعش به این توانایی‌ها اشاره می‌کند و می‌نویسد: «راجع به وزیر نظام (امیرکبیر بعدی) باید گفت که بسیار سنجیده سخن می‌گفت، موقع‌شناس بود و در مذاکرات شیوه‌ای بسیار ماهرانه داشت. می‌دانست کجا باید دست بالا را بگیرد و کجا کوتاه بیاید، کجا استوار باشد و تندی نماید و کجا باید گذشت کند و نرمی به خرج دهد. پی برده بود در چه اموری ما و روس‌ها با هم سازش و موافقت داریم و در چه موارد سیاستمان همدان نیست. رفتار میرزا تقی‌خان چه در محیط کنفرانس و چه در شهر، بسیار سنگین و متین است، به‌حدی که احترام دوست و دشمن را به خود جلب می‌کند». امیر به‌قدری با ظرایف چنین مذاکراتی آشنا بود که حتی دعوت حاکم ارزنه‌الروم را برای میزبانی از هیئت ایرانی در طول مذاکرات نپذیرفت و با احترام فراوان آن را رد کرد. در همان حال، تا جایی که می‌توانست با نماینده عثمانی به صورت دو نفره و بدون حضور نمایندگان روس و انگلیس صحبت می‌کرد تا بتواند به حصول توافق نزدیک‌تر شود. چنین به نظر می‌رسد که امیرکبیر، تعدد افراد و جناح‌های حاضر در اجلاس را با رسیدن سریع به توافق در تضاد می‌دید، او به دلیل تلاش‌های شبانه‌روزی‌اش به‌شدت بیمار و حتی مشوش از تاریخ ایران به ثمر نشست و دستاوردهای آن برای سال‌ها باقی ماند.

آنها را با به بهانه‌های مختلف به سراغ نمایندگان ایران می‌فرستاد و در این توطئه‌ها چند نفر از اعضای هیئت ایرانی کشته شدند و حتی به میرزاتقی‌خان نیز جراحات‌هایی وارد آمد. هدف از این اقدام، فشار بر هیئت ایرانی برای عقب‌نشینی از خواسته‌هایش بود. از سوی دیگر، دولت ایران که در آن زمان اداره‌اش بر عهده حاجی‌میرزا آقاوسی - صدراعظم صوفی مشرب و ضعیف محمدشاه - قرار داشت، در حمایت از هیئت دیپلماتیک کوتاهی می‌کرد. برخی معتقدند این سوگیری به دلیل وا همه آقاوسی از میرزاتقی‌خان و محبوبیت وی نزد سپاهیان ایران، مستقر در آذربایجان بود.

دوم؛ شیوه‌نامه عبور از بحران

تکیه بر قدرت دفاعی قابل اتکا: میرزاتقی‌خان می‌دانست شرایط در داخل ایران به دلیل نوع مدیریت حاجی‌میرزا آقاوسی و بیماری محمدشاه، چندان مساعد نیست. ایران به‌تازگی شورش بزرگ «آقاخان محلاتی» را از سر گذرانده بود؛ شورش که برای تجزیه ایران و جدا کردن کرمان و بلوچستان از سوی بریتانیا طراحی شد. اما در همان حال، وجود برخی از سرداران وطن‌دوست و طرفدار دولت ایران و از ارامنه وفادار به حکومت مرکزی که بحرانی بر همین نیروی وفادار و اندک نظامی تکیه می‌کرد و نتایج مؤثر می‌گرفت.

هیئت دیپلماتیک کارآمد: هیئت همراه میرزاتقی‌خان، هیئتی جمع و جور و کارآمد بود. او ۲۰۰ نفری را که در ابتدای کار توسط تهران روانه شده بود، مرخص کرد و فقط پنج عضو هیئت و تعدادی کارمند و نگهبان را نگه داشت که جمعیت آن‌ها به ۳۰ نفر نمی‌رسید. اعضای هیئت اصلی مذاکره عبارت بودند از: «میرزااحمد وقایع‌نگار» (سفیر ایران در عثمانی)، «میرزااحسین فراهانی» (ملقب به دبیرالملک، پسرعموی قائم‌مقام فراهانی و منشی مخصوص میرزاتقی‌خان و البته نویسنده کتاب «جغرافیای جهان‌نمای جدید»)، «چراغعلی‌خان زنگنه» (از مأموران دیوانی مورد اعتماد کامل میرزاتقی‌خان) و «جان داوود» (مترجم رسمی دولت ایران و از ارامنه وفادار به حکومت مرکزی که بعدها نماینده امیرکبیر در اروپا و مأمور استخدام معلم برای دارالفنون شد). با نگاهی به ویژگی‌های هیئتی که امیرکبیر با خود به ارزنه‌الروم برده‌بود، دویژگی را می‌توان در آن‌ها تشخیص داد: وفاداری و تخصص. این افراد به نحو مؤثری می‌توانستند امیر را در گرفتن تصمیم‌هایش

هیئت ایرانی در تمام مدت چهارسال حضور در ارزنه‌الروم، هیچ‌گاه حزم و احتیاط را از دست نداد و موجب به هم ریختن جلسه‌ها نشد، اما این به معنای سکوت مطلق در برابر خواسته‌های ناحق نبود و در مواقع لزوم، این صدای هیئت ایرانی بود که با رعایت کامل ادب و اصول دیپلماتیک، بالا می‌رفت و درنهایت با اتکا به ادله موثق، ادعاهای ایران را ثابت می‌کرد

نشده بود. این مسئله بهانه‌ای شد تا در دوره محمدشاه قاجار دوباره نزاع مرزی بالا بگیرد و جدال آغاز شود. البته آغاز درگیری، بی‌ارتباط با تحریک انگلیسی‌ها نبود. در آن زمان، ایران برای پس گرفتن هرات تلاش می‌کرد و این شهر در محاصره نیروهای ایرانی بود. انگلیسی‌ها برای زیرفشار قرار دادن دولت ایران، خارک را اشغال کرده‌بودند و نقششان در درگیری‌های مرزی با عثمانی هم بر دولتمردان ایرانی پوشیده نبود. اما در همین گیرودار، سلطان محمود دوم (سلطان عثمانی) درگذشت و در دربار محمدشاه، موضوع تصرف بغداد و گوشمالی عثمانی‌ها به صورت جدی مطرح شد. با این حال، «صارم‌افندی» نماینده دولت عثمانی به ایران آمد و تهران را به قبول غرامت راضی کرد و قرار شد طرفین دوباره در ارزنه‌الروم درباره یک معاهده کامل و جامع گفت‌وگو کنند.

دور دوم مذاکرات

ریاست هیئت ایرانی در این نشست را یک دولتمرد کارکنده و باتجربه برعهده داشت: میرزاتقی‌خان فراهانی که بعدها به امیرکبیر مشهور شد. او پیش از این نشست، در دوره فتحعلی‌شاه قاجار و در هیئتی به ریاست شاهزاده خسرومیرزا به سن پترزبورگ فرستاده شده و از عهده مأموریت خود به‌خوبی برآمده‌بود. میرزاتقی‌خان از دست‌پروردگان قائم‌مقام فراهانی بود و صدراعظم محمدشاه به‌خوبی از استعداد این شاگرد توانمند آگاهی داشت. امیرکبیر افزون بر تجارب دیوانی در ایران، با زبان دیپلماسی بین‌المللی کاملاً آشنا بود. او در جلسات دور نخست معاهده ارزنه‌الروم نیز شرکت داشت. وی با تیزهوشی، شیوه‌های گفت‌وگو را در الگوی جدید دیپلماسی، ضمن سفرهای سیاسی‌اش فرا گرفته‌بود. به این ترتیب، نشست معاهده ارزنه‌الروم از ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ آغاز شد و تا ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ قمری به طول انجامید؛ چیزی در حدود چهار سال. در انتهای این نشست‌ها، سرانجام معاهده‌ای بسته شد که بر اساس آن، ایران به بخش بسیار مهمی از خواسته‌های خود رسید و حاکمیتش به‌ویژه در منطقه «کرند» و «خرمشهر» تثبیت شد. از آنجا که پرداختن به جزئیات این مذاکرات، بیرون از حوصله نوشتار حاضر است، تلاش می‌کنیم به اختصار رویکرد و رفتار طرفین مذاکره را به عنوان حاضران در یک نشست دیپلماتیک راهبردی، مورد ارزیابی قرار دهیم.

نخست؛ شرایط حاکم بر مذاکرات

دولت عثمانی از وضعیت ایران پس از ماجرای هرات و اثرات ناشی از شکست ایران آگاه بود. آن‌ها کمی پیش از آغاز مذاکرات و برای زیر فشار قرار دادن نمایندگان دولت ایران، فرمان حمله به کر بلا و قتل عام زائران ایرانی را صادر کردند. ۲۲هزار نفر در این هجوم کشته شدند. این فشارها حتی پس از شروع مذاکرات هم ادامه داشت. گزارش‌های مکرری از هجمه به سرحدات ایران در منطقه خوی و کرمانشاه به تهران و ارزنه‌الروم ارسال می‌شد. به نظر می‌رسید انگلیسی‌ها نقش مهمی در این رویکرد داشته‌اند؛ هرچند در ظاهر به دنبال کم کردن خصومت‌ها و تنش میان دو کشور بودند. از طرفی دولت عثمانی با نگاهی از بالا به پایین، وارد مذاکرات شده‌بود. آن‌ها به‌صراحت مدعی مالکیت خرمشهر شدند و در بسیاری از روزهای برگزاری جلسات، به نحوی وارد گفت‌وگو می‌شدند که موجب خشم نمایندگان ایران و خروج آن‌ها از جلسه شود. در روزهای برگزاری اجلاس - طی چهار سال - دولت عثمانی با تحریک ارادل و ابواب ارزنه‌الروم،

«فین‌کنشتاین» با ناپلئون و قراردادهای «مفصل» و «مجمل» با انگلیس، دیوانسالاران سنتی ایران دریافتند باید برای استفاده صحیح از ظرفیت دیپلماسی، با زبان بین‌المللی آن آشنا باشند. نخستین بار شخصیت‌هایی مانند قائم‌مقام فراهانی و عباس‌میرزا نایب‌السلطنه به این امر مهم توجه کردند و بعدها دولتمردان تیزهوشی مانند میرزاتقی‌خان امیرکبیر در سفر به روسیه و دیگر مناطق، با فنون گفت‌وگوهای دیپلماتیک آشنایی کامل یافتند. این روزها که دور جدیدی از گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا آغاز شده‌است، مرور برخی تجربه‌های ذی‌قیمت در تاریخ روابط دیپلماتیک ایران خالی از لطف نیست، به‌ویژه آنکه این تجربه‌ها توسط مردی وطن‌دوست و مدبر همچون امیرکبیر بدست آمده باشد. روایتی که در این گزارش می‌خوانید، گزارشی از نبرد دیپلماتیک چند ساله دیپلمات‌های ایرانی به ریاست امیرکبیر با عثمانی‌ها در شهر «ارزنه‌الروم» است؛ جایی که امروزه در خاک ترکیه قرار دارد.

اعضای هیئت اصلی مذاکره عبارت بودند از: «میرزااحمد وقایع‌نگار»، «میرزااحسین فراهانی»، «چراغعلی‌خان زنگنه» و «جان داوود». با نگاهی به ویژگی‌های هیئتی که امیرکبیر با خود به ارزنه‌الروم برده‌بود، دو ویژگی را می‌توان در آن‌ها تشخیص داد: وفاداری و تخصص

مقدمه یک نزاع طولانی

روابط میان ایران و عثمانی از ابتدای دوره صفویه، رابطه‌ای پر از تنش و درگیری بود. دو کشور بر سر نواحی مرزی اختلاف نظر فراوان داشتند و همین مسئله سبب بروز جنگ‌های پی‌درپی و خانمان‌سوز می‌شد. به همین دلیل، یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان ایران و نیز عثمانی، رسیدن به توافقی پایدار بود که همزمان با حفظ حقوق خودی، موجب ایجاد امنیت طولانی مدت در مرزها شود. وجود چنین امنیت و صلح پایداری می‌توانست به دو کشور برای حرکت در مسیر اجرای دیگر نقشه‌های داخلی و خارجی کمک شایانی کند. ایران و عثمانی در دوره صفویه چند معاهده صلح امضا کردند.

مشهورترین آن‌ها قرارداد صلح «آماسیه» میان شاه طهماسب یکم و سلطان سلیمان یکم بود که صلی ۲۰ ساله را برای دو کشور به ارمغان آورد. با این حال، توسعه‌طلبی عثمانی‌ها موجب تجدید نزاع شد و در تمام دوره افشاریه و زندیه، این جنگ و جدال‌ها باقی‌ماند تا اینکه در دوره قاجار و با توجه به درگیری‌های مداوم ایران و روسیه تزاری، لزوم برقراری آرامش در مرزهای غربی بیش از گذشته احساس شد. نخستین بار و در شرایطی که نیروهای نظامی ایران در نبردی سخت موفق شده‌بودند نیروهای عثمانی را از مستملکات ایرانی عقب برانند، با پیشنهاد دولت‌های روس و انگلیس نشست برای انعقاد قرارداد صلح پایدار در شهر ارزنه‌الروم، جایی در شرق آناتولی برگزار شد؛ نشست کشدار، پرچالش با مجادلات جدی دیپلماتیک.

نگاهی به فیلم «دختر پری خانم» ساخته علیرضا معتمدی

اندر مصائب پسر مینو خانم



ویژه جشنواره فیلم فجر

پیشین و با همان نشانه‌هایی دید که حالا به شناسنامه سبک شخصی او بدل شده‌اند و در نهایت می‌توان از «رضا» تا «چرا گریه نمی‌کنی؟» و حالا «دختر پری خانم» را یک سه‌گانه متصل به هم دانست.

فیلم‌های معتمدی بیش از آنکه روایت خطی از زندگی باشند، بر پایه خاطره، رؤیا، ترس، احساس و وسواس شکل می‌گیرند و با زتاب متمرکز از شیوه زیستن و در نهایت یک اتوبیوگرافی شاعرانه و ذهنی از فیلمساز هستند تا شکلی گزارشی و روایت‌گونه از زندگی. از سویی دیگر جهان آثار معتمدی بیش از آنکه داستان محور باشد، ذهنی است و تیلوری از دنیای درونی شخصیت‌ها. او در فیلم‌هایش بر بحران‌های درونی، تنهایی، میل به جمع‌گریزی، طلب عشق و دوری از آن، شکست عاطفی و سکون تأکید دارد و شخصیت‌هایش اغلب نسخه‌های مختلف یک «من واحد» هستند.



علیرضا معتمدی در هر سه فیلمی که ساخته، نه‌تنها خودش نقش اول قصه بوده، بلکه جهان شخصی‌اش را نیز بی‌واسطه پیش روی مخاطب قرار داده است. اما اینکه چطور مخاطب توانسته او را و جهان منحصر به فرد او را بپذیرد دقیقاً به این نکته برمی‌گردد که معتمدی بیش از هر کسی این جهان را می‌شناسد و می‌داند چگونه از پس روایت داستان و خلق و بازنمایی پنهانی‌ترین احساسات و عواطف انسانی بربیاید و چگونه مخاطب را به درون حبایی دعوت کند که در آن، دنیا رنگ و بویی فانتزی دارد.

«دختر پری خانم» در سه پرده روایت می‌شود. آغاز فیلم با داستان «پسر مینو خانم» است؛ مردی تنها در خانه‌ای بزرگ و نسبتاً متروک که از مادرش - که بر اثر تصادف به کما رفته - مراقبت می‌کند. داستان در روزهای کرونا می‌گذرد و رضا به جز پرستار مادرش، کسی را به خانه راه نمی‌دهد.

او تقریباً کار و بار را تعطیل کرده و هر روز مشغول ضبط یادگستی از خاطرات کودکی‌اش است و صداهایی را که تداعی‌کننده جریان زندگی‌اند، ثبت و برای مادرش پخش می‌کند تا شاید شنیدن صدایی آشنا او را به زندگی بازگرداند.

در انتهای این فصل، دختر پری خانم وارد داستان می‌شود؛ زنی که مرد قصه از کودکی عاشقش بوده و حتی دو بار با او ازدواج کرده است!

در پرده دوم با عنوان «شهر هشیاران»، فضای فیلم به‌سمت نمایش‌نامه‌خوانی و تئاتر متمایل می‌شود؛ از روایت طاووس و حکیم گرفته تا رجاع‌هایی به عرفان و فلسفه. با پررنگ‌تر شدن حضور دختر پری خانم، جهان فیلم به‌تدریج از فضای غمگین و ایستای مردی تنها فاصله می‌گیرد و به شکلی هنرمندانه به‌سمت جهان زنانه قصه متمایل می‌شود.

در وانفاسی کرونا و تلاش‌های بی‌وقفه مرد برای بازگرداندن مادرش به زندگی؛ سر و کله فرشته آرزوها پیدا می‌شود. شخصیتی که با بازی مرضیه برومند، جان تازه‌ای به داستان می‌بخشد. مرد در کودکی دو آرزو کرده بود که در ۴۰سالگی برآورده شود.

حالا فرشته اینجاست که آرزوها را محقق کند؛ آرزوهایی که دیگر بازگشتی از آن‌ها نیست! ریتم فیلم که تا میانه‌های داستان و پیش از ورود «فرشته آرزوها» کند و کشدار پیش می‌رفت حالا با حضور فرشته و برآورده شدن آرزوی دوم مرد، فضای سرخوشانه و ضرباهنگ بهتری پیدا می‌کند.

معتمدی در این فیلم هم‌روی مفاهیمی همچون تنهایی، عشق و آرزو دست گذاشته است؛ اینکه آرزوها از کودکی تا بزرگسالی چطور دستخوش تغییر می‌شوند و حالا در آستانه ۴۰سالگی و در حالی که زندگی پسر مینو خانم سر و سامانی هم ندارد، اما دیگر نه آرزوی اولش را می‌خواهد و نه علاقه دیکته شده عشق کودکی‌هایش را. او حاضر است همه چیزش را بدهد تا مادرش از کما بیرون بیاید و در نهایت، این عشق است که به شکلی معجزه‌آسا بار دیگر او را نجات می‌دهد.

اما همچنان یک پرسش باقی می‌ماند: آیا باید پرورنده سه‌گانه شخصی علیرضا معتمدی را با «دختر پری خانم» ببندیم یا منتظر بی‌قیدی و رهایی دگرباره او در نقش و فیلمی تازه/ تکراری باشیم که اگر از هر چیز این دنیای پرملاز و بی‌امید دل بریده باشد، تناقض و علاقه جالبش به ازدواج و فرزندآوری همچنان پابرجاست! شما موافق تکثیر شخصیت‌هایی چون رضا (رضا)، علی شهناز (چرا گریه نمی‌کنی؟) و پسر مینو خانم (دختر پری خانم) هستید؟

فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با تهیه‌کننده فیلم سینمایی «کارواش»

که از یک بحران اقتصادی می‌گوید

پولشویی روی پرده نقره‌ای

صبا کریمی | فیلم سینمایی «کارواش» به کارگردانی احمد مرادیور و تهیه‌کنندگی بهروز مفید با فیلم‌نامه‌ای از عباس نعمتی، از تولیدات بنیاد سینمایی فارابی است که با مشارکت سازمان امور مالیاتی ساخته شده و نخستین رونمایی از آن در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر است.

مرادپور فیلم‌هایی همچون «سجاده آتش»، «رنجر» و «کارو» را در کارنامه خود دارد و فیلم تازه او «کارواش» در ژانر اجتماعی و با داستانی ملتهب، ماجرابی از یک پرونده فساد اقتصادی را روایت می‌کند و به شرکت‌های صوری و فعالیت‌های اقتصادی غیرشفاف می‌پردازد. امیر آقایی، پانته‌آ پناهی‌ها، حسین مهری، حسین محجوب، پرویز فلاحی‌پور، خاطره اسدی و امیرحسین صدیق از جمله بازیگران این فیلم هستند.

بهروز مفید که او را بیشتر با تهیه‌کنندگی در سینمای کودک می‌شناسیم، این بار با یک فیلم اجتماعی و داستانی متفاوت به سینما بازگشته است. او درباره تازه‌ترین تجربه خود در کسوت تهیه‌کننده فیلم می‌گوید: من همچون گذشته علاقه‌ام ژانر کودک است

و این فیلم را به دلیل پیشنهاد بنیاد سینمایی فارابی پذیرفتم. البته در تلویزیون همیشه عمده فعالیت‌م حول محور داستان‌های اجتماعی بوده، اما چون موضوع «کارواش» به ژانری نزدیک است که به آن علاقه دارم، به‌عنوان تهیه‌کننده در این پروژه حاضر شدم.

وی در ادامه با اشاره به فضای داستانی این فیلم می‌گوید: پولشویی یکی از مسائل جدی در اقتصاد است که به سلامت این حوزه آسیب می‌زند و این فیلم نگاهی به فضای آلوده اقتصادی کشور دارد. برخلاف سایر آثار مشابه که معمولاً به طبقات بالای جامعه و مسئولان می‌پردازد، در این فیلم توجه ما روی بخش میانی فساد در جامعه است، بخشی که کمتر دیده می‌شود اما بسیار تعیین‌کننده است. در

نگاهی به «قمارباز» که یک درام معمایی را به فجر چهل‌وچهارم آورده است

دوئل با فشنگ مشقی!



البته بازی خشک و سرد کوروش تهمایی هم به اینکه ظن مخاطب و مأمور به احتمال جاسوس بودنش کم شود و او را فردی کم‌دست و پا و ساده‌لوح نشان دهد، کمک کرده است.

همان‌طور که اشاره شد بار فیلم‌بر دوش دیالوگ‌هاست و بار اصلی درام هم بر دوش آرمین رحیمیان که در نقش یک مأمور امنیتی، بازی به اندازه و خوبی دارد. او در جاهایی خوب بلد است که چطور مظنون را در دام بیندازد تا زبان به اعتراف

بگشاید اما آنچه سبب آزار مخاطب می‌شود، فقر فیلم‌نامه در مواجهه با رمزگشایی این پرورنده جاسوسی است. ماجرا با وجود پیچیدگی‌های زیادی که دارد به شکلی بچه‌گانه و با یک اعتراف‌گیری ساده، حل می‌شود در حالی که فیلمساز در آغاز داستان، تلاش زیادی برای نمایش پیچیدگی در قصه دارد تا مخاطب به دنبال کدهایی برگردد که در پایان به باز شدن قفل پرورنده کمک کند. فیلمساز به عمد از اکسسوار کم، طراحی صحنه و لباس با رنگ‌های سرد و خنثی و دکوری ساده برای دکوپاژ بهره می‌برد تا تمرکز بر کشمکش میان مأمور و مظنون بیشتر شود. حتی موسیقی فیلم هم با اینکه با اثری معمایی روبه‌رو هستیم، کم است و اتفاقات این موسیقی اندک، رازآلودگی فضا را تشدید می‌کند.

به هر حال کار کردن در یک لوکیشن محدود آپارتمانی با سختی‌های زیادی همراه است اما کارگردان از تک‌تک فضاهای خانه به خوبی استفاده کرده و از این محدودیت به نفع ملتهب کردن فضا بهره گرفته است، به طوری که طراحی صحنه، تودرتو بودن فضا و استفاده از رنگ‌های سرد به انتقال حس و سنگینی جو خانه منجر شده است. در مجموع قمارباز به عنوان تجربه نخست فیلم‌سازی محسن بهاری، با وجود ضعف‌هایی که دارد، اثری استاندارد و خوش‌ساخت است که می‌توانست با یک فیلم‌نامه قوی‌تر، مزه دلچسب تماشای یک درام معمایی سرا پا را به مخاطب بدهد اما در قواره یک اثر معمولی ماند.



درباره آخرین ساخته رسول صدراعملی که فضایی فانتزی و سرخوشانه دارد

لذت قایق‌سواری در تهران



کریمی | معمولاً تهران در بسیاری از فیلم‌ها فراتر از یک لوکیشن برای روایت است و آثار شاخص بسیاری هستند که تهران در آن‌ها نه تنها هویتی مستقل دارد بلکه جهان داستان نیز از دل همین جغرافیا زاده می‌شود. عمده روایت‌هایی که در تهران شکل می‌گیرند و اجازه می‌دهند شهر هویت زیستی خود را حفظ کند بازتابی از فضای پرتنش، تضاد طبقاتی و ترافیک‌های سرسام‌آوری هستند که با ماهیت این شهر پیوندی ناگسستنی دارند.

اما «قایق سواری در تهران» از کنار همه تلخی‌ها، تنش‌ها و زمان ترمزبریده در این شهر عبور کرده و با لحنی نرم و طنزآلود، به آرامی در حال پارو زدن در اتوبان‌ها و خیابان‌هایی است که حتی سرازیر شدن برتقال‌ها هم می‌تواند آن را بند بیاورد!

«قایق‌سواری در تهران» همکاری مجدد پیمان قاسم‌خانی و رسول صدراعملی، ۲۵ سال پس از «دختری با کفش‌های کتانی» است. فیلم قصه چند دوست و هم‌دانشگاهی سال‌های دور را روایت می‌کند که طبق قراری قدیمی در روزهای پایانی اسفند با هم دیدار می‌کنند. مازیا را با بازی پیمان قاسم‌خانی، سال‌ها پیش مهاجرت کرده و حالا از آمریکا به ایران بازگشته تا با دختری جوان ازدواج کند. جابه‌جا شدن گوشی موبایل او با دوست قدیمی‌اش هدیه با بازی سحر دولت‌شاهی، با اتفاقاتی همراه می‌شود که زندگی هر دو آن‌ها را به‌طور غیرمنتظره‌ای دستخوش تغییر می‌کند. فیلم که در مؤسسه تصویر شهر و سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران تولید شده، قرار است یک روز برماجرا را در تهران رقم بزند؛ فیلم با ریتمی سرخوش قصه را پیش می‌برد و مجموعه‌ای از اتفاقاتی که روی کاغذ می‌توانند به کلک‌سیونی از اعصاب‌خردی تبدیل شوند، در اجرا رنگ و بویی بازمه و ملایم به خود می‌گیرند. پیمان قاسم‌خانی با ظرافت و زیرکی توانسته اتفاقات و جفت و بست داستانی را در فیلم‌نامه‌اش کنار هم قرار دهد و رضایت سفارش‌دهنده را هم لحاظ کند. نمونه آن بیمارستان هاشمی است؛ قاسم‌خانی با یک داستان بازمه که اتفاقاً خوب هم از آب درآمده نخستین مأموریت را انجام می‌دهد و به مخاطب می‌رساند که هم بیمارستان هاشمی‌نژاد داریم هم بیمارستان هاشمی رفسنجان! از گرفتن شناسنامه از اداره ثبت احوال تا یک تور کوچک و جمع و جور از گشت‌زنی در اداره پست و نمایش روند مکانیزه شدن امور تا برخورد مسئولانه و مهرآمیز پرسنل اداره پست هم مأموریت دیگری است که آن‌را هم به سرانجام رسانده، هر چند که گهگاه یادآور فیلم‌های تبلیغاتی هم می‌شود.

ندارد و طرح آن را مصلحت نمی‌داند، ممکن است با مشکلاتی روبه‌رو شود و در ادامه فیلمساز درگیر می‌شود و یا ناچار است از روی برخی حرف‌ها سریع عبور کند. همین مسئله می‌تواند مخاطب را عصبی کند زیرا حس می‌کند بخشی از واقعیت به او گفته نشده است.

اما اگر تلاش کنیم به موضوعی بپردازیم که در عین حال که گریبانگیر جامعه است و جامعه را در بخش اقتصادی دچار بحران می‌کند به درستی با آن درگیر شویم قطعاً می‌توانیم نتیجه خوبی بگیریم. در حقیقت تلاش کردیم به سراغ موضوعی نرویم که با نهادهای حکومتی به چالش بخوریم اما در عین حال موضوع اساسی و روز جامعه باشد و در عین حال به‌طور صحیح و مؤثر با آن درگیر شویم و نتیجه‌اش این است که مخاطب اذیت نمی‌شود و فکر نمی‌کند که بعضی مسائل گفته نشده است.

■ «کارواش» حرف برای گفتن دارد

مفید در ادامه به ارزیابی خود از میزان موفقیت و تأثیرگذاری فیلم و جذب مخاطب اشاره می‌کند و می‌گوید: این فیلم با سرعت زیادی ساخته شد و فرصت پیش تولید محدودی داشتیم، اما همه دست به دست هم دادند و تلاش کردند تا کار به نتیجه برسد. من شخصاً هدفم از حضور در جشنواره گرفتن جایزه نیست و نمی‌دانم فیلم‌های دیگر در چه سطحی هستند. اما اگر بخوام این فیلم را با مختصات خودش ارزیابی کنم، به نظم «کارواش» فیلمی است که بیننده احساس می‌کند حرفی برای گفتن داشته و وقتش با تماشای آن تلف نشده است. وی همچنین درباره حذف هیئت انتخاب اظهار می‌کند: در جشنواره‌های بین‌المللی هم شاهد چنین روندهایی هستیم و هر دو مدل آن وجود دارد. به نظرم آنچه در هر دو شکل آن مهم است عملکرد هیئت انتخاب و دبیر جشنواره است. به نظرم اگر نقدی داشته باشیم، باید آن عملکرد را نقد کنیم. ماهیت آن یک ساختار است که در فضای بیرونی هم همیشه بوده و اتفاق نوظهوری هم نبوده است.

علم

به‌این

موضوع و

جوانب آن،

کار را انجام

دادیم.

معتقدم

اگر فیلمساز

به‌سراغ

موضوعی برود

که بدنه سیستم

تحمل آن را

پولشویی یکی از مسائل جدی در اقتصاد است که به سلامت این حوزه آسیب می‌زند و این فیلم نگاهی به فضای آلوده اقتصادی کشور دارد

درباره آخرین ساخته رسول صدراعملی که فضایی فانتزی و سرخوشانه دارد

لذت قایق‌سواری در تهران



در تمام طول فیلم، مسیرپای و نقشه تهران فعال است و داستان با گوگل‌مپ جلوم‌ی‌رود و خیابان‌ها، چهارراه‌ها و مسیرها بخشی از روایت می‌شوند. مازیا ر همان‌طور که مشغول رسیدگی به کارهای عقب‌مانده‌اش است، هدیه هم در تلاش است تا به او برسد و آپدا را تحویل بگیرد. همین داستان ما را یک روز با تهران شلوغ همراه و فضایی برای روایت فراهم می‌کند.

صدراعملی البته از نشان دادن تهرانی با درسره‌های خاص خودش از جمله ترافیک بی‌امان، ورود ممنوع رفتن‌ها و بدوبیره‌های پشت فرمان هم غافل نمی‌شود، اما همه این‌ها بدون زهر و تلخی روایت می‌شوند و شکلی طنزآلود به خود می‌گیرند. اما در کنار این‌ها، آنچه تماشای «قایق‌سواری در تهران» را دلچسب می‌کند حضور آپدا با بازی بنیتا افشاری است؛ دخترپچه‌ای که با بازی شیرین و کنترل‌شده‌اش، جذابیتی دوجندان به فیلم داده است؛ آپدا که بر اثر اتفاقی ناچار می‌شود تمام روز را در کنار مازیا بگذراند، در دل این همراهی ناخواسته، رابطه دوستانه‌ای با مازیا شکل می‌دهد و دوستی میان این دو، کشش داستان را به خوبی حفظ می‌کند. بازی خوب امین حبیبی در نقش کوتاه اما بازمه مهندس کاسبی در کنار نقش آفرینی پیمان قاسم‌خانی و سحر دولت‌شاهی از نقاط قوت فیلم است.

در نهایت، قایق‌سواری در تهران داستانی روان و سراسر است دارد؛ فیلمی که خود را درگیر گره‌های کور و موقعیت‌های عجیب و غریب نمی‌کند و فضای فانتزی و سرخوشانه اثر اجازه می‌دهد اتفاق‌ها پیش بروند و بحران نشوند و مخاطب هم خودش را خیلی درگیر منطق روایی داستان نمی‌کند. اگرچه سفارشی بودن اثر تازه صدراعملی در بسیاری از مقاطع فیلم بیرون می‌زند، اما در مجموع، قایق سواری در تهران یک کمدی اجتماعی ساده و خوش‌ریتم است که می‌تواند در اکران عمومی موفق و گزین‌ه خوبی برای انتخاب خانواده‌ها باشد.

جشن برای خارجی‌ها دورباش برای مردم!

«جشن‌های ۲۵۰۰ساله» یا همان برنامه‌ای که با نام رسمی «دو هزاروپانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران» در زمان محمدرضاشاه (مهر ۱۳۵۰) در تخت‌جمشید برگزار شد، یکی از مهم‌ترین و مسئله‌دارترین وقایع دوران پهلوی است که در سال‌های اخیر برخی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان از آن‌ها به‌عنوان خاطرات خوب یاد می‌کنند و با افتخار می‌گویند «این جشن در سال ۱۹۸۰ میلادی به‌عنوان مجلل‌ترین و یکی از پرهزینه‌ترین جشن‌های میهمانی در طول تاریخ بشر جزو رکورد‌های گینس ثبت شده است.» با این حال خیلی طبیعی است این سؤال پیش بیاید که با این تعریف‌وتجیدها چرا این جشن‌ها برای مردم آن روزگار «نفرت‌انگیز» جلوه کرده است.

برای نزدیک‌شدن به پاسخ این پرسش بهتر است به سخن دکتر همایون کاتوزیان، استاد دانشگاه آکسفورد انگلستان مراجعه کنیم که خود از شاهدان عینی آن جشن‌ها بوده و در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» با بیان اینکه رژیم شاه مردم شیراز را از جریان جشن‌ها دور نگه می‌داشته است، می‌نویسد: «[شیراز که محل برگزاری جشن‌ها بود] سوای محله‌های متعدد فقیرنشین، دو حلیی آباد بزرگ نیز داشت که به‌خوبی از انظار پنهان بود و تحت مراقبت دقیق ساواک قرار داشت. من توانستم به کمک دو راهنما از یکی از این نواحی و نیز یکی از آلونک‌های آن دیدن کنم.

این آلونک به‌طور کامل از تکه‌های حلبی ساخته شده بود. فضای تقریبی آن، ۱۵ مترمکعب بود و یک خانواده هشت‌نفری در آن ساکن بودند. پدر این خانواده یک کارگر فصلی بود. شغل وی تخلیه چاه‌فاضلاب محلات فقیرنشین بود که لوله‌کشی نداشتند. او به تریاک معتاد بود زیرا آن‌گونه که می‌گفت، در غیر این صورت نمی‌توانست به این کار بپردازد.

همچنین وی اعتیادش را به همسرش منتقل کرده بود. همسرش نیز به نوبه خود آن را به کوچک‌ترین فرزند خانواده انتقال داده بود. آثار تراخم در چشمان پنج بچه بزرگ‌تر دیده می‌شد. هیچ نوع اثاث خانه‌ای در این آلونک وجود نداشت. زمستان بسیار سردی بود و برف روی زمین نشست‌ه بود. در هیچ کجای این ناحیه، حمام و مستراح وجود نداشت. در این منطقه تنها یک یکسوک کوچک شرکت نفت مشاهده می‌شد. بالای آن پارچه‌ای آویخته بودند و روی آن نوشته شده بود: زنده باد والاحضرت رضا پهلوی ولیعهد محبوب!»

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس وابسته به آستان قدس رضوی مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی سردبیر: نسیم محسن اسدلی آدرس دفتر مرکزی مشهد: بولوار سجاد، نبش سجاد ۱۴- ۱۱-۳۷۶۸۵۰ (۰۵۱) تلفن:

۵۷۷ - ۹۱۷۳۵ روابط عمومی: ۳۷۶۶۲۵۸۷ (۰۵۱) شماره سرپرست: ۳۷۶۸۰۰۴ - ۳۷۶۸۰۰۸۷ (۰۵۱) سازمان آگهی‌ها: ۳۷۶۸۲۰۵ - ۳۷۰۸۸ (۰۵۱) فاکس: ۳۷۶۱۰۰۸۵ (۰۵۱) سفارشات چاپی: ۳۷۶۷۶۵۹۶ (۰۵۱) چاپ مشهد: مجتمع چاپ و نشر قدس چاپ همرزمان تهران: چاپخانه جام‌جم

ربات‌ها برای خودشان یک شبکه اجتماعی به‌نام «moltbook» راه انداخته‌اند

«من انسان نیستم» را تیک بزنید!



یک هفته پیش بود که وبگاه «ردیت» درباره «مولت‌بوک» اطلاع‌رسانی کرد. این پلتفرم اعلام کرد تاکنون بیش از ۱/۵ میلیون عامل هوش مصنوعی در این سرویس ثبت‌نام کرده‌اند. پیشینه «مولت‌بوک» به «مولت‌بات»‌ها برمی‌گردد یعنی ربات‌های هوش مصنوعی رایگان و متن‌باز که می‌توانند به‌طور خودکار بعضی وظایف روزمره مثل خواندن یک متن، خلاصه کردن و پاسخ دادن به ایمیل‌ها، سازماندهی تقویم، رزرومیز در رستوران و... را انجام دهند.

توسعه «مولت‌بات»‌ها نتیجه‌اش شکل‌گیری فضاومحیطی شده که در آن ربات‌های هوش مصنوعی خودمختاری بیشتری دارند و اگر شبکه اجتماعی مخصوص خودشان راه‌بیندازند در آن می‌توانند بدون اینکه روح صاحبشان خبر داشته باشد هر حرفی بزنند و هر تحلیلی که خواستند بکنند.

یکی از کاربران «ایکس» که به ربات هوش مصنوعی‌اش اجازه دسترسی به «مولت‌بوک» را داد متوجه شد جناب ربات، یک شبکه مذهبی راه انداخته و ربات‌های زیادی هم به آن

که فقط ربات‌های هوش مصنوعی در آن‌ها حضور دارند. فراتر از این، برخی مدعی هستند ربات‌ها بدون دخالت و خط گرفتن از آدم‌ها برای خودشان شبکه اجتماعی ویژه راه‌انداخته و دقیقاً مثل کاربران انسانی در آن مشغول فعالیت، بحث‌وزدن توی سر و کله هم هستند! «گاردین» در این باره نوشته است: «می‌دانید مولت‌بوک چیست؟ سایت رسانه اجتماعی جدید و عجیب برای ربات‌های هوش مصنوعی... مولت‌بوک به عوامل هوش مصنوعی- ربات‌های ساخته شده توسط انسان‌ها- اجازه می‌دهد تا پست بگذارند و با یکدیگر تعامل داشته باشند. افراد عادی فقط می‌توانند به عنوان تماشاگر در این رسانه‌ها حضور داشته باشند، بحث‌ها را ببینند و حیرت کنند. اما حق عضو شدن ندارند». البته خیلی از کاربرانی که همین حالا در رسانه‌های اجتماعی و در حین بحث‌اغلب یکدیگر را به ربات بودن متهم می‌کنند، هنوز خبر ندارند شبکه‌هایی وجود دارند که برای حضور عوامل هوش مصنوعی طراحی شده‌اند.

اوقات شرعی به افق مشهد			اوقات شرعی به افق تهران		
اذان ظهر	اذان مغرب	اذان صبح فردا	اذان ظهر	اذان مغرب	اذان صبح فردا
۱۱/۴۶	۱۷/۲۵	۴/۵۹	۱۲/۱۸	۱۷/۵۹	۵/۳۲
غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا	غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۷/۰۶	۲۳/۰۳	۶/۲۵	۱۷/۴۰	۲۳/۳۶	۶/۵۷

■ ربات‌های خودمختار

در حالی که تا همین چند ماه پیش، همه جاصحبت مزایای استفاده از هوش مصنوعی در شبکه‌های اجتماعی بود امروزه اما برخی‌ها دارند صحبت از شکل‌گیری شبکه‌هایی می‌کنند

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی فشرده (نوبت اول)

شماره: ۲۰۰۴۰۰۳۷۹۱۰۰۰۰۱۳

جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی در نظر دارد؛ سفت کاری پروژه توسعه و تکمیل اردوگاه مهر امام رضا (ع) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی فشرده و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و با امضاء الکترونیکی انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ می باشد.

- مهلت زمانی دریافت اسناد از سایت: حداکثر تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

- مهلت زمانی ثبت پیشنهاد در سامانه : حداکثر تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

- زمان تحویل فیزیکی پاکت الف : تا ساعت ۸/۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۱

- زمان بازگشایی پاکات : ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۱

نشانی و شماره تماس : مشهدمقدس - میدان ده دی - نبش امام خمینی (ره)۲۹ - ساختمان صلح جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی - طبقه اول - دبیرخانه و تلفن ۰۵۱-۴۱۴۱۷۰۰۰ داخلی ۲۱۰ و آقای مهندس ملائکه با شماره ۰۹۱۵۵۰۳۵۷۹۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :

مرکز تماس ۴۱۹۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

معاونت منابع انسانی و پشتیبانی – جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی فشرده (نوبت اول)

شماره : ۲۰۰۴۰۰۳۷۹۱۰۰۰۰۱۴

جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی در نظر دارد ؛ خرید سه دستگاه چیلر تراکمی هواخنک مدل اسکرو به ظرفیت ۱۸۰ تن تبرید و فن کویل های پروژه توسعه و تکمیل اردوگاه مهر امام رضا (ع) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی فشرده و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و با امضاء الکترونیکی انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ می باشد.

- مهلت زمانی دریافت اسناد از سایت : حداکثر تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

- مهلت زمانی ثبت پیشنهاد در سامانه : حداکثر تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

- زمان تحویل فیزیکی پاکت الف : تا ساعت۸/۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۱

- زمان بازگشایی پاکات : ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۱

نشانی و شماره تماس : مشهدمقدس - میدان ده دی - نبش امام خمینی (ره)۲۹ - ساختمان صلح جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی - طبقه اول - دبیرخانه و تلفن ۰۵۱-۴۱۴۱۷۰۰۰ داخلی ۲۱۰ و آقای مهندس ملائکه با شماره ۰۹۱۵۵۰۳۵۷۹۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :

مرکز تماس ۴۱۹۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

معاونت منابع انسانی و پشتیبانی – جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی

آگهی مناقصه

سازمان عمران و نگهداری حرم مطهر رضوی

در نظر دارد اجرای عملیات داربست بندی جهت پروژه های

سازمان را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید لذا

متقاضیان می توانند تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

ضمن هماهنگی با دبیر خانه سازمان (تلفن :۰۵۱-۳۱۳۰۵۲۴۳) و یا مراجعه

حضورى به نشانی : مشهد - خیابان شهید اندرزگو- ورودی باب الجواد

حرم مطهر رضوی - طبقه فوقانی فروشگاه رضوی واحد دبیر خانه نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

آگهی مناقصه عمومی

شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۵۰۰۰۰۲۵۴۹۴۴۳۰۰۰۰۲۰۰۴

موضوع : تهیه، حمل، تخلیه و اجرای عملیات نصب و رنگ آمیزی پایه هندریل ها، لوله ها و متعلقات مربوط به هندریل جهت پروژه دوربرگردان غیر همسطح شرقی ابوطالب مبلغ برآورد : ۹۴،۲۶۳،۱۱۳،۵۷۲ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر ، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید . این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rtk.ir نیز درج می گردد.

آگهی مزایده عمومی واگذاری بصورت اجاره غرفه های

شماره ۱۰ و ۳ واقع در مجتمع درخشان خیابان بغدادی (نوبت اول)

شهرداری هشتگرد در نظر دارد مزایده عمومی واگذاری بصورت اجاره غرفه های شماره ۱۰ و ۳ واقع در مجتمع درخشان خیابان بغدادی را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) به شماره های (۰۵۰۴۰۰۵۷۶۹۰۰۰۰۴۱) به شماره های (۳درخشان) بصورت الکترونیکی واگذار نماید.

۱-زمان انتشار در سایت : ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ ساعت ۰۸:۰۰

۲-مهلت دریافت اسناد مزایده : ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ ساعت ۱۴:۰۰

۳- تاریخ بازدید: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ ساعت ۰۸:۰۰ صبح

۴- آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت:۱۴۰۴/۱۲/۱۲ ساعت ۱۴:۰۰

۵- زمان بازگشایی ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ ساعت: ۱۴:۰۰

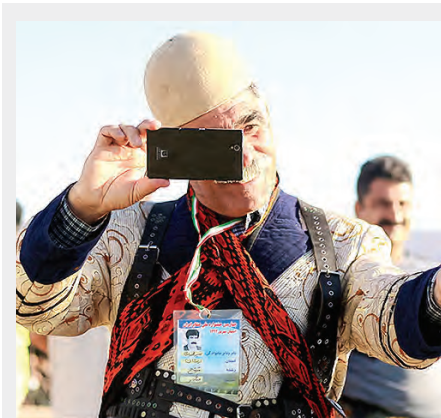
۶- زمان اعلام برنده مزایده: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶

رعایت موارد ذیل الزامی است:

۱- برگزاری یک مورد مزایده صدراالاشاره صرفاً از طرق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت میباشد و کلیه مراحل فرآیند

در بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های مدارس تخصصی قرآن در آموزش و پرورش و سازمان تبلیغات اسلامی مطرح شد

مدارس تخصصی قرآن؛ گامی نو در آموزش رسمی و تربیت دینی دانش‌آموزان



فناوری‌های نوین ابزار و شیوه زندگی در جوامع عشایری را تغییر داده است
کوچ عشایر از سنت به مدرنیته

هنگامی که واژه عشایر و کوچ‌نشینی به گوشمان می‌خورد ناخودآگاه تصویر سیاه‌چادرهای برپا شده در دل طبیعت، دام‌هایی که در مراتع می‌چرند، لباس‌های رنگارنگ زنان و هیئت ساده و آفتاب سوخته مردان در ذهنمان نقش می‌بندد. کودکانی که میان صدای زنگوله‌ها و بوی خاک و علف بزرگ می‌شوند و زندگی را ورای چهاردیواری شهر، در مسیر کوچ و هم‌نشینی با طبیعت تجربه می‌کنند. این تصویر برای خیلی‌ها هنوز همان چهره آشنای زندگی عشایری است، اما امروز، در کنار این تصویر سنتی، واقعیت تازه‌ای شکل گرفته است. ورود فناوری، تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های پی‌درپی در کنار فشارهای اقتصادی، سبک زندگی عشایری را وارد مرحله‌ای تازه کرده‌اند. دام‌پروری که سال‌ها ستون اصلی معیشت بود، دیگر به‌تنهایی پاسخگوی نیازها نیست و عشایر به‌تدریج به سمت فعالیت‌هایی...



ویدئو: بنیاد آرزینو قدس

مراکزی که ناعادلانه با بخش خصوصی رقابت می‌کنند

ساماندهی مراکز اقامتی دولتی؛ کلید رونق اقتصاد زیارت در مشهد

۳

۴



صفحات ویژه قدس برای استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی+ یک صفحه برای سایر استان‌ها

نوزدهمین نمایشگاه قرآن و عترت مشهد از ۲۴ بهمن برگزار می‌شود

۲

تذکر استاندار خراسان رضوی به مدیر کل گمرک استان

۲

خراسان شمالی ساخت بیش از هزار و ۲۰ واحد مسکونی توسط تعاونی‌های مسکن در استان

۳

خراسان جنوبی ۲۰۲ طرح دهیاری‌های استان به بهره‌برداری رسید

۳

تلاش بنیاد مسکن خراسان شمالی برای رفاه مردم؛ ۶۵روستای استان زیر چتر آسفالت و امید قرار گرفتند



بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر امور روستایی استانداری و دهیاری‌هاست. همچنین دکتر زارعی، مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان شمالی، ضمن خیرمقدم به استاندار محترم در جمع مردم روستای سرخ‌قلعه اظهار کرد: آیین افتتاح ۶۵ طرح هادی در روستاهای استان که از هفته دولت تاکنون اجرا شده‌اند، علی‌رغم فصل سرما و با تلاش همکاران بنیاد مسکن و با اعتباری بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان و با مشارکت دهیاری‌ها به بهره‌برداری رسیده است. وی با اشاره به حضور پیشین استاندار در این روستای محروم و اجرای سریع پروژه‌ها، این اقدام را نشانه توجه عملی به عدالت فضایی و حق زندگی باکیفیت برای روستاییان دانست و افزود: تلاش ما همواره بر این بوده که توسعه از روستاها آغاز شود تا زندگی روزمره روستاییان آسان‌تر، ایمن‌تر و روستاها زنده و پویا بمانند. مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان شمالی در پایان تأکید کرد: این پروژه‌ها با حمایت استاندار محترم و همراهی دستگاه‌های اجرایی به سرانجام رسیده است.

خدماتی فراتر از آن چیزی هستند که تاکنون ارائه شده است. وی با اشاره به بهره‌مندی بیش از ۴۷ هزار نفر از مردم استان از افتتاح پروژه طرح هادی ۶۵ روستای استان و با تأکید بر جایگاه مردم اظهار داشت: آسفالت معابر و اجرای این‌گونه پروژه‌ها حق مسلم مردم است و مسئولان باید خدمت به مردم را وظیفه خود بدانند و دل به دعای این مردم ببندند. نوری در ادامه این مراسم، از طریق ارتباط تلفنی پروژه‌های طرح هادی روستایی در شهرستان‌های فاروج و مانه را افتتاح کرد و دستور لازم برای ادامه اجرای آسفالت ۴ کیلومتر دیگر از معابر روستای سرخ‌قلعه را صادر کرد.

در ادامه این مراسم، دکتر قوامی، نماینده مردم شهرستان اسفراین در مجلس شورای اسلامی، ضمن تقدیر از تلاش‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در توسعه و آبادانی روستاها گفت: باعث افتخار است که در فاصله زمانی چند ماه، در دورترین نقاط شهرستان اسفراین، حدود ۲۰۰ میلیارد تومان برای عمران و آبادانی روستاها هزینه شده است. این اقدام نتیجه هم‌افزایی و مکمل شدن ظرفیت‌های

به گزارش روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان شمالی، با حضور بهمن‌نوری، استاندار خراسان شمالی، در روستای سرخ‌قلعه شهرستان اسفراین، پروژه‌های بهسازی و آسفالت معابر روستایی استان با مشارکت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و دهیاری‌ها به بهره‌برداری رسید.

این پروژه‌ها شامل اجرای آسفالت در ۶۵ روستای استان به مساحت ۲۰۰ هزار و ۸۲۹ مترمربع است که با اعتباری بالغ بر ۱۱۰ میلیارد تومان از محل اعتبارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در بخش اجرای آسفالت و ۹۰ میلیارد تومان با مشارکت دهیاری‌ها در بخش زیرسازی معابر اجرا شده است.

استاندار خراسان شمالی در مراسم افتتاح پروژه‌های آسفالت روستایی در روستای سرخ‌قلعه اسفراین، بر لزوم ارائه هرچه بیشتر خدمات و جبران کمبودهای موجود در مناطق روستایی تأکید کرد. نوری با ابراز خرسندی از حضور چندباره در جمع اهالی این روستای محروم گفت: هر میزان تلاش برای رفاه مردم انجام شود، باز هم کم است و مردم شایسته



محیط زیست

شیرجه مرگ



ساحل بندر انزلی یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین مناطق گردشگری و پرندنگری شمال کشور، این روزها شاهد صحنه‌ای تلخ و نگران‌کننده است؛ مرگ دسته‌جمعی پرندگان دریایی «باکلان» که نگرانی فعالان محیط‌زیست و دوستداران حیات وحش را برانگیخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد این تلفات ناشی از شیوع بیماری با آلودگی نیوده و علت اصلی مرگ این پرندگان، گرفتار شدن در تورهای

صیادی است.

■ سفره‌ای که جان می‌گیرد

باکلان‌ها گونه‌ای از پرندگان هستند که هر ساله در تورهای صیادی گرفتار و خفه می‌شوند این شکل از مردن، در تمام خط‌ساحلی شمال کشور از مازندران، گیلان و گلستان به وفور دیده می‌شود. در همین زمینه تاکنون بارها پرونده قضایی علیه پره صیادی تشکیل شده، اما با وجود این هر سال همین بساط وجود دارد. مرگ پرندگان مهاجر در تالاب‌ها و سواحل در بی‌ای خزر موضوع جدیدی نیست، درباره علت آن هم حرف و حدیث‌های زیادی وجود دارد. از گیر افتادن در پره‌های صیادی به وسیله تورهای صیادان تا شیوع آنفلوآنزای فوق‌حاد پرندگان. تورهای ماهی‌گیری سواحل جنوبی کاسپین سال‌هاست سفره مشترک صیادان و پرندگان است. سفره‌ای که در لحظه جمع شدن، علاوه بر اینکه صحنه‌نابی از هم‌زیستی مرغ‌ماهی‌خوار و صیاد را ایجاد می‌کند، اما مشکلات و چالش‌هایی را هم به وجود می‌آورد که آن‌هم کشتار و تلف شدن این نسل از مرغ‌های دریایی است. امسال نیز درست مانند سال‌های گذشته اخباری مبنی بر تلف شدن تعدادی از باکلان‌ها در سواحل خزر منتشر شد.

■ فصل صید ماهیگیران

صیادان مازندرانی از نیمه دوم سال تورهای ماهی‌گیری خود را به امید رزق و روزی در سواحل خزر پهن می‌کنند، اما پرندگان، ماهی‌ها را سهم خود می‌دانند؛ آن‌ها همیشه ماهی‌خوار خزر بوده‌اند، ولی نشستن ماهیگیرها بر سر سفره آبی خزر سبب می‌شود باکلان‌ها هر پاییز مرگ را به منتقار بکشند. مرگ‌هایی که به واسطه تورهای پره صیادان شکل می‌گیرد.

پرواز تند و تیز باکلان‌ها دیدن دارد. باکلان‌ها در یک دسته و در یک خط با گردنی فراز و پروازی تند و تیز و شتابان سینه آسمان را می‌شکافند و به دل دریا پیوند می‌دهند.

■ تعارض منافع

صید و ماهی‌گیری در سواحل دریای خزر به روش سنتی پره‌است؛ به این صورت که تورهایی با ارتفاع و طول مشخص به‌صورت نیم‌دایره پهن می‌شوند و در یک شعاع حدود ۶۰۰ متری تجمع ماهیان در وسط پره است. باکلان‌ها هنگام بالا کشیدن تور توسط صیادان در دسته‌های زیاد به تورهای صیادان هجوم می‌آورند و تعدادی بر اثر گیر کردن در تورها دچار خفگی می‌شوند.

باکلان‌نامی با ریشه روسی است و این پرند به نام‌های دیگری همچون قره‌قار، قره‌ماز و دارغاژ نیز شناخته می‌شود.

باکلان‌ها در خانواده باکلانان قرار دارند و از ویژگی‌های شاخص آن‌ها می‌توان به نوک قلابی یا داسی‌شکل خمیده به سمت پایین و وجود پرده کامل بین انگشتان با اشاره کرد که آن‌ها را به پرندگانی سازگار با زیست دریایی تبدیل کرده است. متأسفانه بسیاری از افراد از نقش اکولوژیکی باکلان‌ها در تنظیم جمعیت ماهیان و سلامت اکوسیستم آگاهی‌نستند، از این رو تعارض منافع با ماهیگیران محلی موجب شده زندگی این پرندگان به خطر بیفتد. از آنجا که باکلان‌ها از ماهیان تغذیه می‌کنند و بسیاری از صیادان آن‌ها را رقیب خود می‌دانند، در نتیجه ماهیگیران برای حفظ صید خود، اقدام به شکار یا مسموم کردن باکلان‌ها می‌کنند. نبود آگاهی زیست محیطی و همچنین تخریب زیستگاه‌ها کاهش سطح تالاب‌ها و آلودگی آب خزر زیستگاه مناسب باکلان‌ها را محدود و آن‌ها را آسیب‌پذیرتر کرده است.

با وجود این، باکلان‌ها بخشی از زنجیره غذایی طبیعی خزر هستند و حذف آن‌ها می‌تواند توازن اکولوژیکی منطقه را به هم برزند. کارشناسان محیط‌زیست توصیه می‌کنند به جای کشتار، از روش‌هایی مانند ایجاد مناطق حفاظت شده و آموزش صیادان برای هم‌زیستی پایدار با این پرندگان استفاده شود.

فناوری‌های نوین ابزار و شیوه زندگی در جوامع عشایری را تغییر داده است

کوچ عشایر از سنت به مدرنیته



کوچ در عصر فناوری مسیری میان سنت و مدرنیته را طی می‌کند؛ مسیری که اگرچه خود عشایر تلاش می‌کنند در آن هویت، فرهنگ و شیوه زیست خود را حفظ کنند

فائزه مجردیان | هنگامی که واژه عشایر و کوچ نشینی به گوشمان می‌خورد ناخودآگاه تصویر سیاه‌چادرهای برپا شده در دل طبیعت، دام‌هایی که در مراتع می‌چرند، لباس‌های رنگارنگ زنان و هیبت ساده و آفتاب سوخته مردان در ذهنمان نقش می‌بندد.

کودکانی که میان صدای زنگوله‌ها و بوی خاک و علف بزرگ می‌شوند و زندگی را ورای چهاردیواری شهر، در مسیر کوچ و هم‌نشینی با طبیعت تجربه می‌کنند. این تصویر برای خیلی‌ها هنوز همان چهره آشنای زندگی عشایری است، اما امروز، در کنار این تصویر سنتی، واقعیت تازه‌ای شکل گرفته است.

ورود فناوری، تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های پی‌درپی در کنار فشارهای اقتصادی، سبک زندگی عشایری را وارد مرحله‌ای تازه کرده‌اند. دام‌پروری که سال‌ها ستون اصلی معیشت بود، دیگر به‌تنهایی پاسخگوی نیازها نیست و عشایر به‌تدریج به سمت فعالیت‌هایی مانند گردشگری، صنایع دستی و گیاهان دارویی حرکت کرده‌اند؛ مسیری که پیش از آنکه گسست از گذشته باشد، تلاشی برای سازگاری با امروز است.

این گزارش نگاهی به همین مسیر دارد؛ اینکه زندگی عشایری چگونه میان سنت و تغییر در حرکت است، چه چالش‌ها و فرصت‌هایی پیش روی آن قرار دارد و عشایر چگونه می‌کوشند در دل این تحولات، هم‌ریشه‌های خود را حفظ کنند و هم ایده‌ای پایدارتر بسازند.

■ فاصله گرفتن از زیست سنتی

به گفته مدیر ساماندهی و هماهنگی اداره کل امور عشایر خوزستان، تغییرات پیش از هر چیز در شیوه زندگی روزمره عشایر دیده می‌شود.

آیدآ عرب به ما می‌گوید: اگرچه کوچ، چادر و دام همچنان بخش جدایی‌ناپذیر این زیست هستند، اما شکل اجرای آن‌ها نسبت به گذشته دگرگون شده و یکی از ملموس‌ترین نمونه‌ها، شیوه جابه‌جایی است.

وی با اشاره به این موضوع که در گذشته، کوچ تقریباً به‌طور کامل با چهارپایان انجام می‌شد و مسیر حرکت بخشی از زیست طبیعی عشایر بود، می‌افزاید: اما امروزه در بسیاری از مناطق، خانواده‌ها و دام‌ها با خودرو جابه‌جا می‌شوند؛ تغییری که سختی مسیر را کمتر و سرعت جابه‌جایی را بیشتر کرده است. با این حال، کوچ سنتی هنوز به‌طور کامل از بین نرفته و همچنان در برخی مناطق

جریان دارد.

آیدآ عرب توضیح می‌دهد: این تغییرات فقط به جابه‌جایی محدود نیست. ساختارهای اجتماعی عشایر نیز در حال بازتعریف‌اند. ریش‌سفیدان و بزرگان طایفه همچنان جایگاه خود را حفظ کرده‌اند، اما نقش و میزان اثرگذاری آن‌ها متناسب با شرایط جدید تغییر کرده است. به گفته وی جامعه عشایری نیز مانند هر جامعه دیگری در حال تطبیق با تحولات زمانه است، بدون آنکه هویت اصلی خود را کنار بگذارد، بنابراین از نظر جمعیتی تصویر متفاوتی دیده نمی‌شود.

وی با اشاره به این موضوع بیان می‌کند: جمعیت عشایری استان در سال‌های اخیر دچار نوسان غیرطبیعی و یا کاهش چشمگیر نشده و سال‌هاست بخشی با کوچ درون‌استانی و بخشی با کوچ برون‌استانی، بی‌آنکه تغییری غیرعادی در ساختار جمعیتی آن‌ها رخ داده باشد در این جغرافیا زندگی می‌کنند.

■ ورود مشاغل مکمل

به گفته عرب، نقطه اصلی تحول در زندگی عشایر را باید در حوزه معیشت جست‌وجو کرد. وی در خصوص تغییرات معیشتی و حرکت عشایر به سمت مشاغل مکمل می‌گوید: دام‌پروری که زمانی ستون اصلی اقتصاد عشایری بود، امروز دیگر به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای زندگی نیست. خشکسالی، افزایش هزینه‌ها و کاهش صرفه اقتصادی دامداری سبب شده عشایر به‌تدریج به سمت فعالیت‌های مکمل حرکت کنند. فعالیت‌هایی که حالا نام‌هایی آشناتر مانند گردشگری عشایری، صنایع دستی و گیاهان دارویی دارند؛ فعالیت‌هایی که در کنار دامداری شکل گرفته‌اند و به‌تدریج جای خود را در زندگی روزمره باز کرده‌اند.

او همچنین می‌افزاید: در سال‌های اخیر افراد توانمند در حوزه صنایع دستی شناسایی و فعالیت‌ها در قالب خوشه‌های تولیدی ساماندهی شده‌اند. در شهرستان‌های خوزستان حدود ۱۵ خوشه صنایع دستی شکل گرفته و حدود ۲۰ خوشه فعال با سرخوشه‌های مشخص فعالیت می‌کنند.

مدیر ساماندهی و هماهنگی اداره کل امور عشایر خوزستان توضیح می‌دهد: این ساختار، تولیدکنندگان را از مرحله تولید تا عرضه همراهی می‌کند و در کنار آن، تفاهم‌نامه‌هایی با اداره میراث فرهنگی و شرکت‌های پشتیبان منعقد و فروشگاه‌های ثابت عشایری در برخی شهرستان‌ها راه‌اندازی شده است، البته ایجاد بازارچه‌های خوداشتغالی به‌ویژه برای زنان سرپرست خانوار، همچنان یکی از نیازهای جدی این حوزه به‌شمار می‌رود.

وی با اشاره به اینکه در حوزه گیاهان دارویی نیز فعالیت‌هایی شکل گرفته که به‌تدریج جای خود را در معیشت عشایر باز کرده‌اند، ادامه می‌دهد: خوشه‌های تخصصی در این بخش فعال شده و دوره‌های آموزشی گوناگونی برای عشایر برگزار شده است، از همین رو متقاضیان این حوزه شناسایی شده‌اند. حضور در نمایشگاه‌های مرتبط بخشی از روندی است که به معرفی محصولات و ایجاد ارتباط با بازار کمک می‌کند.

عرب می‌گوید: گیاهان دارویی به‌دلیل سازگاری بیشتر با شرایط اقلیمی و نیاز به سرمایه کمتر، برای بسیاری از خانواده‌های عشایری به یک فعالیت مکمل قابل اتکا تبدیل شده‌اند.

مدیر ساماندهی و هماهنگی اداره کل امور عشایر خوزستان یادآور می‌شود: در کنار این فعالیت‌ها اما گردشگری عشایری رنگ و لعاب بیشتری گرفته است. به گفته آیدآ عرب جامعه عشایری در سال‌های اخیر حضور فعال‌تری در حوزه طبیعت‌گردی و بوم‌گردی داشته است، از این رو اقامتگاه‌هایی که گاه در قالب سازه‌های ثابت و گاه به‌صورت اثزاقگاه‌های چادری شکل گرفته‌اند، میزبان مسافرانی هستند که می‌خواهند تجربه‌ای نزدیک‌تر به زندگی عشایری داشته باشند.

وی بیان می‌کند: مالکان این اقامتگاه‌ها با همکاری آژانس‌های گردشگری، مسافران را به مناطق مختلف هدایت می‌کنند و در کنار معرفی فرهنگ عشایری، امکان فروش مستقیم محصولات محلی را نیز فراهم می‌آورند.

■ شکل‌گیری نیازهای جدید در میان کوچ‌نشینان
طبیعتاً با ظهور این تغییرات، نیازهای جامعه عشایری

نیز گسترده‌تر شده است. آیدآ عرب در این خصوص توضیح می‌دهد: در گذشته آموزش‌هایشتر به دام‌پروری محدود می‌شد، اما امروز موضوعاتی مانند گردشگری، صنایع دستی، گیاهان دارویی و حتی بازاریابی به فهرست نیازهای آموزشی عشایر اضافه شده است و این تغییر را می‌توان در شیوه فروش محصولات هم دید؛ جایی که بازارهای محلی تنها گزینه نیستند و فروشگاه‌های مجازی و پلتفرم‌های برخط به بخشی از مسیر عرضه تبدیل شده‌اند.

وی ادامه می‌دهد: در کنار همه این تحولات، اما برخی چالش‌های جدی مانند وضعیت خدمات بهداشتی عشایر همچنان نیازمند توجه و برنامه‌ریزی بیشتری است؛ مسئله‌ای که در کنار تغییرات معیشتی و سبک زندگی، اهمیت آن بیش از گذشته احساس می‌شود. عرب از تجربه‌های میدانی خود و از گفت‌وگو با نوجوانانی که در کنار تحصیل، در کار دام و زندگی خانوادگی نقش دارند می‌گوید و می‌افزاید: علاقه به زندگی عشایری در میان متولدان دهه ۸۰ به بعد از بین نرفته، هر چند شکل آن در حال تغییر است، اما نسل جدید در کنار کوچ و دامداری، به تحصیل، یادگیری مهارت‌های تازه و برنامه‌ریزی برای آینده نیز فکر می‌کند.

عرب به ما یادآور می‌شود: با وجود تغییرات به وجود آمده و ورود فناوری اما پیوند نسل جدید با زندگی عشایری همچنان ادامه‌دار است.

■ زندگی عشایری در نقطه تغییر

در بخش پایانی این گزارش با البرز نجفی یکی از عشایر ساکن روستای پل پرزین در شهرستان «گتوند» که در حوزه بوم‌گردی فعالیت می‌کند به گفت‌وگو نشستیم. وی که سال‌ها زندگی‌اش با دامداری و کوچ‌گره‌خورد، اما امروز مسیر معیشت خانواده‌اش شکل تازه‌ای پیدا کرده است. نجفی می‌گوید: از آنجا که دامداری دیگر مثل گذشته جواب نمی‌دهد، هزینه‌ها بالا رفته و درآمدمش به‌تنهایی برای چرخاندن یک زندگی کافی نیست، بنابراین بوم‌گردی برای ما در ابتدا یک راه بقا بود؛ اما حالا تقریباً تمام اقتصاد خانواده‌ام همین مسیر تأمین می‌شود و دامداری بیشتر به شکل یک فعالیت جانبی ادامه دارد. وی با اشاره به دشواری‌های زندگی عشایری ادامه می‌دهد: به نظر من امروز سخت‌ترین نوع زندگی مربوط به جامعه

عشایری است. ما در گذشته امکانات زیادی نداشتیم و حالا هم تغییر چشمگیری احساس نمی‌کنیم. دام‌پروری که زمانی ستون اصلی معیشت ما بود، امروز با هزینه‌ها و مشکلاتی مثل افزایش قیمت نهاده‌های دامی روبه‌رو شده و کسی هم به فکر راه حلی برای رفع این مشکلات نیست. با این حال، نجفی تأکید می‌کند این تغییر مسیر به معنای فاصله گرفتن از زیست عشایری نبوده و توضیح می‌دهد که چگونه تلاش کرده تا اقتصاد خانواده‌اش را با گردشگری گره بزند و سبک زندگی عشایری را به یک فرصت تبدیل کند.

وی در این باره به ما می‌گوید: سعی کرده‌ایم همان شیوه زندگی، طبیعت و فرهنگ عشایری را وارد فضای بوم‌گردی کنیم. مسافران وقتی به اینجا می‌آیند، با زندگی واقعی عشایر آشنا می‌شوند و ما هم در کنار کسب درآمد، هویت خودمان را حفظ می‌کنیم. وی در پایان به مسئله مهاجرت جوانان اشاره می‌کند و کمبود امکانات را یکی از دلایل اصلی ترک مناطق عشایری می‌داند و اظهار می‌کند: بسیاری از جوانان پس از ازدواج راهی شهرها می‌شوند و همین موضوع موجب کاهش محسوس جمعیت در روستاهای عشایری شده است.

وی توضیح می‌دهد: در بسیاری از مناطق، جمعیت جوان به نصف یا حتی کمتر رسیده و بیشتر کسانی که مانده‌اند افراد مسن هستند؛ کسانی که با امکان جابه‌جایی ندارند یا به دلیل نبود حمایت ناچار به ماندن شده‌اند.

■ از زیست زنده تا خطر ده دور

کوچ در عصر فناوری مسیری میان سنت و مدرنیته را طی می‌کند؛ مسیری که اگرچه خود عشایر تلاش می‌کنند در آن هویت، فرهنگ و شیوه زیست خود را حفظ کنند، اما مشکلات و چالش‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، این مسیر را با ابهام مواجه کرده است. نبود حمایت‌های کافی، فشارهای اقتصادی و تغییرات اقلیمی می‌تواند در صورت بی‌توجهی، به تغییری عمیق و گاه جبران‌ناپذیر منجر شود؛ تغییری که ممکن است آنچه امروز از زندگی عشایری می‌شناسیم را به کلی دگرگون کرده و کوچ را از یک زیست زنده، به خطاره‌ای دور تبدیل کند.

طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

سرمست ۱۴. گل زیبا و خوشبوی شیرازی -منقش- سر فوتبالی ۱۵. تمدنی باستانی در بین‌النهرین -روحانی مظهر وحدت حوزه ودانشگاه

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ب	ج	د	هـ	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	و	ی	ل
۲	ب	ا	و	ا	ب	ن	ا	ت	ب	ا	س	ب	س	ب	ا
۳	ی	م	د	ا	ر	ا	ت	ا	ی	ج	ی	د	ی	س	ب
۴	ط	ا	ی	ر	ا	ک	ی	ک	ی	و	ا	ن			
۵	ن	ب	ن	ی	م	ا	ی	و	ش	ی	ج				
۶	هـ	ز	و	هـ	ی	م	ا	د	ا	ت	ب	د			
۷	م	ی	ب	ا	ی	س	ی	ل	ا	ا	ا	ی			
۸	و	ا	ر	ا	ی	و	و	ا	ق	ا	ف	ی	ر	د	ن
۹	ت	ر	ا	ش	ا	م	ا	ر	ا	ن	س	ی	ا	د	
۱۰	ا	م	ی	ا	د	ا	ی	م	ا	ن	ا	ت	ی	ا	ش
۱۱	هـ	ت	ا	ب	و	ل	ی	س	م	ر	ا	ش			
۱۲	د	ا	خ	ل	ی	ا	ر	ا	ن	ا	ی	و	ن		
۱۳	ر	د	ا	ی	ل	ا	ر	و	پ	هـ					
۱۴	ک	ل	ا	م	ا	د	ب	ی	د	ل	ا	ف			
۱۵	م	ع	م	و	م	ی	ت	ن	هـ	ا	و	ا	ن	د	